حدیث ثقلین با دو قرائت

- قرائتی مشهور و مقبول
- قرائتی مجعول و مردود

علی اکبر مهدی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

حدیث ثقلین با دو قرائت

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حدیث ثقلین با دو قرائت

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان قراردادی : حدیث الثقلین .فارسی

حدیث کسا

عنوان و نام پدیدآور : حدیث ثقلین با دو قرائت: قرائتی مشهور و مقبول، قرائتی مجعول و مردود / علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۴۳ ص.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۳۸-۴۳-۷

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : خاندان نبوت در قرآن

موضوع : خاندان نبوت -- احادیث

موضوع : احادیث خاص (ثقلین) -- نقد و تفسیر [حذفی]

موضوع : احادیث خاص (کساء) -- نقد و تفسیر

موضوع : احادیث اهل سنت -- نقد و تفسیر

رده بندی کنگره : BP۱۴۵ /ث۲۲ ۷۰۴م۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۴۶۱۸۶

ص:۱

اشاره

۱) قرائتی مشهور و مقبول

۲) قرائتی مجعول و مردود

یکی از حساس ترین فرازهای خطبه ی غدیر به بیان حدیث شریف ثقلین

اختصاص دارد .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام بازگشت از حجه الوداع ، در سرزمین غدیرخم به فرمان

پروردگار ، طی مراسم باشکوهی مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام را به خلافت و امامت

نصب کرد و نغمه ی روح بخش : « من کنت مولاه فهذا علی مولاه » را با بانگ رسای

خود در یک اجتماع یکصد و بیست هزار نفری در خیمه ی تاریخ نواخت .

افتخار صفحات تاریخ ، علامه ی امینی قدس سره ، متن گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در

دائره المعارف بزرگ « الغدیر » از یکصد و ده تن از اصحاب ، منحصراً از منابع اهل

سنت روایت کرده است .(۱)

خطبه ی رسول گرامی اسلام در روز غدیر بسیار طولانی است ، و در حدود

۱- [۱] . الغدیر ، علامه امینی ، ج ۱ ، صص ۴۱ _ ۱۴۴ ، تحقیق مرکز دائره المعارف فقه اسلامی ، قم ، ۱۴۱۶ ق .

۳۰ صفحه می باشد ، علاقمندان به منابعی که خطبه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را گرد آورده

مراجعه فرمایند .(۱)

علامه ی امینی در این اثر ماندگار خود تنها فرازهایی از سخنان صحابه را نقل

کرده ، که در تعدادی از آنها حدیث ثقلین نیز مطابق قرائت مشهور : « کتاب اللّه

وعترتی » آمده است ، که به چند مورد در پاورقی اشاره می کنیم .(۲)

در کتاب « حدیث الولایه » که بازآفرینی کتاب « الموالاه » ابن عقده می باشد ، تعداد

۱۴۲ مورد از طرق حدیث غدیر از صحابه به نقل ابن عقده بازیابی شده است .(۳)

ابن مغازلی در کتاب مناقب خود پس از نقل خطبه ی غدیر از طرق مختلف می نویسد :

در حدود یکصد تن از صحابه این حدیث را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که

ده تن (عشره مبشّره) نیز در میان آنهاست و این حدیثی صحیح و ثابت است که هیچ

ضعفی در آن من سراغ ندارم و این از فضایل ویژه علی علیه السلام است که احدی در این

فضیلت با او شریک نمی باشد .(۴)

در طول تاریخ رسالت ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فقط دو سخنرانی داشتند که بیش از

یکصد هزار مستمع داشتند ، یکی در روز عرفه ، در عرفات ، در حجّه الوداع (نهم

ذیحجه الحرام سال ۱۰ ق) دیگری در سرزمین غدیرخم روز عید غدیر

(۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۰ ق) که در هر دو مورد خطبه ی بسیار حسّاس و باعظمتی

ایراد کرده ، در هر یک « حدیث ثقلین » را مطابق قرائت مشهور آن بیان فرمودند .

صدور حدیث ثقلین از زبان دُرر بار پیامبر گرانقدر به دو مورد یاد شده اختصاص

ندارد ، بلکه حداقل در شش مورد این حدیث از بیان آن حضرت ثبت شده است :

۱- [۱] . مـدينه البلاغه ، شـيخ موسـى زنجانى ، ج ۱ ، صص ۲۱۳ _ ۲۴۱ ، تحقيق ابراهيم انصـارى ، انتشـارات كعبه ، تهران ، ۱۴۰۵ ق .

۲- [۲] . الغـدير ، ج ۱ ، صص ۴۸ ، ۵۸ ، ۶۸ ، ۷۸ ، ۱۱۴ و ۱۳۰ به نقل از : ام سـلمه ، جابر ، حـذيفه ، زيـد بن ارقم ، عامر بن ليلى و امير مؤمنان عليه السلام .

۳- [۳] . حديث الولايه ، حافظ ابن عقده ، تحقيق امير تقدمى ، دليل ما ، قم ، ۱۴۲۲ ق ، صص ۳۹ _ ۱۴۷ .

۴- [۴] . مناقب اهل البيت ، ابن مغازلى ، تحقيق محمّدكاظم محمودى ، مجمع جهانى ، قم ، ۱۴۲۷ ق ، ص ۸۴ .

۱ . به هنگام بازگشت از طائف ، در سال هشتم هجری .

۲ . روز عرفه ، نهم ذیحجه الحرام سال دهم هجرت در عرفات .

۳ . روز دوازدهم ذیحجه الحرام(۱) سال دهم در مسجد خیف در منی .

۴ . روز عید غدیر در سرزمین غدیرخم ، هجدهم ذیحجه الحرام سال

دهم هجری .

۵ . در آستانه ی ارتحال در مسجد النبی ، در اواخر ماه صفر سال یازدهم

هجری .

۶ . در بستر مرگ ، روز ۲۸ صفر سال یازدهم ، در حجره شریفه .(۲)

راویان حدیث ثقلین از صحابه

با توجه به تکرار حدیث ثقلین حداقل در شش مورد و ایراد خطابه از سوی رسول

اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع در روز عرفه و به هنگام بازگشت در سرزمین غدیر در

اجتماعی متجاوز از یکصد هزار نفر ، این حدیث در تمام طبقات به حدّ تواتر رسیده

و اینک اسامی چهل تن از صحابه که متن روایت آنان در دست می باشد :

۱) ابوایوب انصاری ؛ ۲) ابوذر غفاری ؛ ۳) ابورافع ؛ ۴) ابوسعید خدری ؛

۵) ابوشریح خزاعی ؛ ۶) ابوقدامه انصاری ؛ ۷) ابولیلی انصاری ؛ ۸) ابوهریره ؛

۹) ابوالهیثم بن تیّهان ؛ ۱۰) انس بن مالک ؛ ۱۱) براء بن عازب ؛ ۱۲) جابر بن عبداللّه

انصاری ؛ ۱۳) جبیر بن مطعم ؛ ۱۴) جریر بن عبداللّه ؛ ۱۵) حبشی بن جناده ؛ ۱۶)

حذیفه بن اسید ؛ ۱۷) حذیفه بن ثابت ؛ ۱۸) حذیفه بن یمان ؛ ۱۹) حسن بن علی علیهماالسلام ؛

۲۰) خزیمه بن ثابت ؛ ۲۱) زید بن ارقم ؛ ۲۲) زید بن اسلم ؛ ۲۳) زید بن ثابت ؛ ۲۴)

سعد بن ابی وقّاص ؛ ۲۵) سلمان ؛ ۲۶) سهل بن سعد ؛ ۲۷) ضمره اسلمی ؛ ۲۸) طلحه

۱- [۱] . البدایه والنّهایه ، ابن کثیر ، مکتبه المعارف ، بیروت ، ج ۵ ، ص ۲۰۲ .

۲- [۲] . علیّ امـام البرره ، آیه اللّه خوئی ، شـرح آیه اللّه سـید محمّدمهـدی خرسـان ، دارالهـادی ، بیروت ، ۱۴۲۴ ق ، ج ۱ ، صص ۲۹۲ _ ۳۰۴ .

بن عبدالّله تیمی ؛ ۲۹) عامر بن لیلی ؛ ۳۰) عبدالرحمن بن عوف ؛ ۳۱) عبدالّله بن حنطب ؛ ۳۲) عبدالّله بن عباس ؛ ۳۳) عبدالّله بن عمر ؛ ۳۴) عدی بن حاتم ؛ ۳۵) عقبه بن عامر ؛ ۳۶) علی بن ابی طالب علیه السلام ؛ ۳۷) عمار یاسر ؛ ۳۸) عمر بن خطاب ؛ ۳۹) عمروعاص ؛ ۴۰) مقداد بن اسود .

حدیث ثقلین گذشته از افراد یاد شده ، از سه تن از صحابیّات نیز روایت شده ، و آنها عبارتند از :

۱) فاطمه زهرا علیهاالسلام ؛

۲) امّ سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ؛

۳) امّ ایمن ، از بانوان بهشتی .(۱)

ابن حجر می نویسد : این حدیث از بیش از بیست تن از صحابه در موارد مختلف از جمله : روز عرفه در حجه الوداع ، روز غدیرخم ، به هنگام بازگشت از حجّ ، پس از بازگشت از طائف و در دوران بیماری حضرت در حجره شریفه هنگامی که پر از صحابه بود .

سپس اضافه می کند : پیامبر اکرم این حدیث را در این موارد و در مواردی دیگر به جهت اهتمام خاص به شأن قرآن کریم و عترت طاهره تکرار فرموده است .

آنگاه از طبرانی نقل کرده که آخرین چیزی که پیامبر اکرم در لحظات آخر حیات خود بر زبان راند سفارش اهل بیت خود بود .(۲)

کتابنامه ی حدیث ثقلین

کثرت راویان حدیث ثقلین موجب شده که برخی از محدثان ، متکلمان و تراجم نگاران به گردآوری اسامی راویان آن پرداخته و برخی نیز کتاب مستقلی در همین

۱- [۱] . همان ، ج ۱ ، ص ۳۱۱ .

۲- [۲] . الصواعق المحرقه ، ابن حجر هیتمی ، تحقیق عبدالوهاب عبداللّطیف ، مکتبه القاهره ، مصر ، ۱۳۸۵ ق ، ص ۱۵۰ .

رابطه تألیف کرده اند ، که از آن جمله است :

۱ . حافظ ابوالفضل محمّد بن طاهر شیبانی مقدسی (۴۴۸ _ ۵۰۷ ق) کتاب مستقلی

به نام : « طرق حدیث إنی تارك فیکم الثّقلین » به رشته ی تحریر در آورده است .(۱)

۲ . علامه میرحامد حسین هندی (۱۲۴۶ _ ۱۳۰۶ ق) جلد دوازدهم « عبقات

الانوار » را به بررسی سندی و محتوایی حدیث ثقلین اختصاص داده ، شبهات

عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹ _ ۱۲۳۹ ق) را پاسخ داد .

۳ . شادروان شیخ قوام الدین محمّد وشنوه ای (۱۳۲۵ _ ۱۴۱۸ ق) کتابی در همین

رابطه تألیف کرده ، آن را « حدیث ثقلین » نام نهاد .

این کتاب به سال ۱۳۷۴ ق . در قاهره به چاپ رسید .

۴ . محقق فرزانه علامه سید علی میلانی (معاصر) عبقات الانوار را به عربی

برگردانده ، آن را « نفحات الأزهار » نام نهاده ، در ۲۰ مجلد منتشر کرد ، جلد اول ، دوم و

سوم آن پیرامون حدیث ثقلین می باشد .

۵ . دانشمند فرزانه دکتر سید حسن افتخارزاده (معاصر) از کتاب « نفحات

الازهار » جلدهای اول تا سوم را به فارسی ترجمه کرده ، تحت عنوان : « خلاصه عبقات

الانوار ، حدیث ثقلین » در ۱۰۲۴ صفحه منتشر نموده است .

* * *

حدیث ثقلین در مجامع حدیثی

به جهت گستردگی طرق حدیث ثقلین ، متن آن با الفاظ مختلف ، ولی به یک

مضمون ، در کتابهای : صحاح ، سنن ، معاجم ، منابع حدیثی ، تفاسیر ، کتب سیره ،

تاریخ ، لغت و تراجم به تفصیل آمده که استقصای آن چندین مجلّد بزرگ را می طلبد .

ما در اینجا برای تبرّک ، فقط از چند منبع حدیثی ، فراز کوتاهی از حدیث شریف

ثقلین را نقل کرده ، تفصیل آن را به فرصتی دیگر موکول می کنیم .

ص:۵

۱- [۱] . هدیه العارفین ، اسماعیل پاشا بغدادی ، مکتبه اسلامیه ، تهران ، چاپ سوّم ، ۱۳۸۷ ق ، افست چاپ استانبول ، ۱۹۵۵ م ، ج ۲ ، ص ۸۲ .

در ترتیب نقل حدیث ، به جهت اهمیت خاصّ کتب صحاح ، نخست از « صحیح مسلم » حدیثی نقل کرده ، سپس به دلیل اهمیت کتب سنن ، به نقل دو حدیث از « سنن ترمذی » بسنده می کنیم .

آنگاه به نقل حدیث ثقلین از دیگر مجموعه های حدیثی ، به ترتیب تسلسل زمانی ، آنهم فقط در محدوده ی قرن سوم و چهارم می پردازیم :

حدیث ثقلین با قرائت مشهور و مقبول

۱ . صحیح مسلم

مسلم بن حجّاج نیشابوری ، متوفّای ۲۶۱ ق . در صحیح خود با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » روایت کرده که گفت :

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان مکّه و مدینه ، در کنار برکه ی آبی که « خُمّ » نامیده می شد ، برای ایراد خطابه در میان ما به پا خاست ، حمد و ثنای خدا به جای آورد ، مردم را موعظه کرد ، پند و اندرز داد ، سپس فرمود :

أمّا بعدُ ، ألا أيّها النّاسُ ! فَإنّما أنا بشرٌ يوشِكُ أن يأتی رسولُ ربّی فأجيبُ .

وأنا تاركٌ فيكم ثقلين :

أوّلهما كتابُ اللّه ِ ، فيه الهدی والنّور ، فخذوا بكتاب اللّه واستمسكوا به .

فحثَّ علی كتاب اللّه ورغَّب فيه ، ثمَّ قال :

وأهلُ بيتی . أذكّركم اللّه فی أهل بيتی ، أذكّركم اللّه فی أهل بيتی ، أذكّركم اللّه فی أهل بيتی ؛

امّا بعد ، هان ای مردمان ! من نیز انسانی هستم که نزدیک است پیک الهی به سراغم بیاید و من نیز اجابت کنم .

من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم :

نخستین آنها کتاب خداست که در آن نور و هدایت است ، پس کتاب خدا را محکم

بگیرید و به آن چنگ بزنید .

ص:۶

[پس کتاب خدا را به مردم سفارش کرد و مردم را بر عمل به آن تشویق نمود ،

سپس فرمود :]

و اهل بیت من ، که در مورد اهل بیتم [به شما هشدار می دهم و] خدا را به یاد شما

می آورم و آنها را به شما توصیه می کنم .

[این جمله را سه بار تکرار فرمود] .(۱)

۲ . سنن ترمذی

محمّد بن عیسی بن سوره ترمذی ، متوفّای ۲۹۷ ق . در سنن خود حدیث ثقلین را

از دو طریق روایت کرده است :

۱ . با سلسله اسنادش از جابر بن عبداللّه انصاری که گفت :

رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در روز عرفه در موسم حجّ دیدم که بر فراز شتر خود « قَصْوا »

خطبه می خواند و شنیدم که در خطبه اش می فرمود :

یا ایّها النّاسُ ! إنّی قد ترکتُ فیکم ما إن أخذتم به لن تضلّوا : کتاب اللّه

وعترتی أهل بیتی ؛

هان ای مردمان ! من درمیان شما چیزی وانهادم که اگر آن را محکم بگیرید هرگز

گمراه نمی شوید :

کتاب خدا و عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند .(۲)

ترمذی پس از نقل حدیث فوق گوید :

در همین باب از ابوذر ، ابوسعید ، زید بن ارقم و حذیفه بن أسید نیز روایت هست .

۲ . با سلسله اسنادش از ابوسعید خدری و زید بن ارقم روایت کرده که گفته اند :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

۱- [۱] . صحیح مسلم ، ج ۴ ، ص ۱۸۷۳ ، فضائل الصّحابه ، ح ۳۶ ، تحقیق محمّدفؤاد عبدالباقی ، دار احیاء التّراث العربی ، بیروت ، چاپ دوم ، ۱۹۷۲ م .

۲- [۲] . الجامع الصّحیح سنن ترمذی ، ج ۵ ، ص ۶۶۲ ، باب مناقب أهل بیت النّبی ، ح ۳۷۸۶ ، تحقیق ابراهیم عطوه عوض ، دار احیاء التّراث العربی ، بیروت .

إنّی تارکٌ فیکم ما إن تمسّکتم به لن تضلّوا بعدی ، أحدهما أعظم من الآخر :

کتابَ اللّه ِ، حبلٌ ممدودٌ من السّماءِ إلی الأرض وعترتی أهل بیتی ولن یتفرّقا

حتّی یردا علیَّ الحوضَ ، فانظروا کیف تخلُفونی فیهما ؛

من در میان شما چیزی می گذارم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز بعد از من گمراه

نمی شوید ، یکی از آنها از دیگری بزرگتر است :

۱) کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

۲) عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند .

این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند . پس

نیک بنگرید که چگونه جانشین من در مورد آن دو خواهید بود .(۱)

۳ _ طبقات ابن سعد

محمّد بن سعد ، کاتب واقدی ، متوفّای ۲۳۰ ق . در کتاب « طبقات الصّحابه

والتّابعین » حدیث ثقلین را با سلسله اسنادش ، از ابوسعید خدری ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایت کرده که فرمود :

إنّی أوشِك أن أدعی فأجیب ، وإنّی تارکٌ فیکم الثَّقلین : کتابَ اللّه وعترتی ،

کتابُ اللّه حبلٌ ممدودٌ من السَّماءِ إلی الأرض ، وعترتی أهل بیتی ، وإنّ

اللّطیف الخبیر أخبرنی أنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ، فانظروا

کیف تخلُفونی فیهما ؛

زود است که فراخوانده شوم ، پس دعوت حق را لبّیک گویم ، من در میان شما دو

چیز گرانبها می گذارم : کتاب خدای عزّوجلّ و عترت من .

کتاب خدا ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

و عترت من که همان اهل بیت من می باشند .

خدای دانای مهربان مرا خبر داده که آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در

۱- [۱] . همان ، ص ۶۶۳ ، ح ۳۷۸۸ .

حوض کوثر بر من وارد شوند .

پس نیک بنگرید که چگونه جانشین من در مورد آن دو خواهید بود .(۱)

۴ _ المصنَّف ابن أبی شیبه

عبداللّه بن محمّد بن ابی شیبه ، متوفّای ۲۳۵ ق . در کتاب « المصنَّف » خود ، حدیث

ثقلین را با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » روایت کرده ، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

إنّی تاركٌ فیکم الخلیفتین من بعدی : کتاب اللّه وعترتی ، أهل بیتی ، وانّهما

لن یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

برای پس از خود دو جانشین برای شما برجای نهادم : کتاب خدا و عترت من ، که

همان اهل بیت من می باشند ، و آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض

کوثر بر من وارد شوند .(۲)

۵ _ مسند احمد حنبل

امام احمد بن حنبل ، متوفّای ۲۴۱ ق . پیشوای حنابله ، در مسند خود حدیث ثقلین

را به چندین طریق روایت کرده است :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » دقیقاً همانند روایت « صحیح مسلم » .(۳)

۲ . با سلسله اسنادش از « ابوسعید خُدری » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی تاركٌ فیکم الثَّقلین ، أحدهما أكبرُ من الآخر :

کتابُ اللّه حبلٌ ممدودٌ من السَّماءِ إلی الأرض وعترتی اهل بیتی .

وإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها وانهادم که یکی از آنها از دیگری بزرگ تر است :

۱- [۱] . الطّبقات الکبری ، ابن سعد ، ج ۲ ، ص ۱۹۴ ، تحقیق احسان عبّاس ، دار بیروت ، بیروت ، ۱۴۰۵ ق .
۲- [۲] . المصنَّف ، ابن أبی شیبه ، ج ۷ ، ص ۴۱۸ ، تحقیق سعید محمّد لحّام ، دار الفکر ، بیروت ، ۱۴۰۹ ق .
۳- [۳] . مسند احمد ، ج ۷ ، ص ۷۵ ، مسند کوفیّین ، حدیث زید بن ارقم ، ح ۱۹۲۸۵ ، تحقیق صدقی محمّد جمیل عطار ، دارالفکر ، بیروت ، چاپ دوّم ، ۱۴۱۴ ق .

۱) کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است .

۲) عترت من ، که همان اهلبیت من می باشند .

این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۱)

۳ . با سلسله اسنادش از طریقی دیگر از « ابوسعید خدری » قریب به همین

مضمون ، با اندکی تغییر در تعبیر .(۲)

۴ . با سلسله اسنادش از طریقی دیگر از « ابوسعید خدری » دقیقاً مطابق متنی که از

« طبقات ابن سعد » روایت کردیم .(۳)

۵ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی تارکٌ فیکم خلیفتین : کتابُ اللّه حبلٌ ممدودٌ مابین السَّماءِ والأرض _ او

ما بینَ السّماء إلی الأرض _ وعترتی أهلَ بیتی وإنّهما لن یتفرّقا حتّی یردا

علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو جانشین گذاشتم :

۱) کتاب خدا که ریسمانی کشیده شده در میان آسمان و زمین [یا از آسمان به

سوی زمین] است .

۲) عترت من ، که همان اهل بیت من می باشند .

این دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۴)

۶ . نزدیک به همین مضمون از طریق ابوسعید خدری .(۵)

۶ _ سنن دارمی

عبداللّه بن عبدالرّحمن دارمی ، متوفّای ۲۵۵ ق . حدیث ثقلین را با سلسله

۱- [۱] . همان ، ج ۴ ، ص ۳۰ ؛ مسند ابوسعید خدری ، ح ۱۱۱۰۴ .

۲- [۲] . همان ، ص ۵۴ ، ح ۱۱۲۱۱ .

۳- [۳] . همان ، ص ۳۷ ، ح ۱۱۱۳۱ .

۴- [۴] . همان ، ج ۸ ، ص ۱۳۸ ، حدیث زید بن ثابت ، ح ۲۱۶۳۴ .

۵- [۵] . همان ، ج ۴ ، ص ۱۱۸ ، مسند ابی سعید خدری ، ح ۱۱۵۶۱ .

اسنادش ، از طریق زید بن ارقم روایت کرده که دقیقاً با حدیث اوّل که از صحیح مسلم نقل کردیم مطابق است .(۱)

۷ _ خصائص نسائی

احمد بن شعیب نسائی ، صاحب کتاب « سنن نسائی » متوفّای ۳۰۳ ق . در کتاب خصائص خود ، حدیث ثقلین را با سلسله اسنادش از زید بن ارقم در فرازی از خطبه ی غدیر ، که به هنگام بازگشت از « حجّه الوداع » پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهدر سرزمین « غدیرخُم » ایراد فرموده است ، نقل کرده :

کأنّی قد دُعیتُ فأجبتُ ، إنّی ترکت فیکم الثَّقلین ، أحدهما أکبر من الآخر : کتابَ اللّه وعترتی ، فانظروا کیف تخلُفونی فیهما ، فإنّهما لن یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

گویی اجلم فرارسیده ، دعوت حق را لبّیک خواهم گفت ، من در میان شما دو چیز گرانبها وانهادم ، که یکی از آنها بزرگتر از دیگری است : کتاب خدا و عترت من . پس نیک بنگرید که چگونه جانشین من خواهید بود در مورد آن دو . که آنها هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

سنن نسائی گزیده ای از کتاب « السّنن الکبری » نسائی می باشد و کتاب « خصائص » نیز بخشی از کتاب « سنن کبری » می باشد .(۳)

۸ _ الذّریه الطّاهره

ابوبشر محمّد بن احمد دولابی ، متوفّای ۳۱۰ ق . در کتاب « الذّریه الطّاهره » حدیث ثقلین را با سلسله اسنادش از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که رسول

۱- [۱] . سنن دارمی ، ج ۲ ، ص ۴۳۱ ، به اهتمام محمّداحمد دهمان ، دارالکتب العلمیه ، بیروت .
۲- [۲] . خصائص امیرالمؤمنین ، نسائی ، ص ۷۱ ، ح ۷۹ ، تحقیق ابوعبداللّه دانی ، المکتبه العصریّه ، بیروت ، ۱۴۲۲ ق .
۳- [۳] . سیر أعلام النّبلاء ، ذهبی ، ج ۱۴ ، ص ۱۳۳ ، تحقیق شعیب ارنؤط ، مؤسّسه الرّساله ، بیروت ، چاپ هشتم ، ۱۴۱۲ ق .

اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از خطبه ی معروفش در سرزمین « غدیرخم » فرمود :

إنّی ترکت فیکم ما إن أخذتم به لم تضلّوا ، کتاب اللّه وأهل بیتی ؛

من در میان شما چیزی وانهادم که اگر آن را محکم بگیرید گمراه نمی شوید : کتاب

خدا و اهل بیت من .(۱)

۹ _ معجم طبرانی

ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی ، متوفّای ۳۶۰ ق . در کتاب « معجم کبیر » خود

حدیث ثقلین را از طرق مختلف نقل کرده ، از جمله :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی قد ترکتُ فیکم خلیفتین : کتابَ اللّه وأهلَ بیتی ، وإنّهما لم یفترقا حتّی

یردا علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو جانشین برجای نهادم : کتاب خدا و اهلبیت من ، که از یکدیگر

جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

۲ . همین حدیث را از طریق دیگر روایت کرده ، که در آن به جای : « أهل بیتی »

تعبیر : « عترتی » آمده است .(۳)

۳ . با سلسله اسنادش از « زید بن ثابت » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی تارکٌ فیکم الثَّقلین من بعدی : کتابَ اللّه عزّ وجلّ وعترتی أهلَ بیتی ،

وإنّهما لم یتفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما برای پس از خود دو چیز گرانبها می گذارم : کتاب خدای عزّوجلّ

۱- [۱] . الذّریه الطّاهره ، ص ۱۶۸ ، ح ۲۲۸ ، ابوبشر دولابی ، تحقیق سید محمّدجواد جلالی ، النّشر الاسلامی ، قم ، ۱۴۰۷ ق .

۲- [۲] . معجم کبیر طبرانی ، ج ۵ ، ص ۱۵۳ ، ح ۴۹۲۱ ، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی ، دار احیاء التّراث العربی ، بیروت ، چاپ دوم ، ۱۴۰۵ ق .

۳- [۳] . همان ، ص ۱۵۴ ، ح ۴۹۲۲ .

و اهل بیت خودم ، که هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد

شوند .(۱)

۴ . عین همین حدیث را با دو طریق دیگر از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایت کرده است .(۲)

۵ . با سلسله اسنادش متن دیگری را از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهروایت

کرده که فرمود :

إنّی تارکٌ فیکم الثّقلین : کتاب اللّه وعترتی ، فانظروا کیف تخلُفونی فیهما ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها نهادم : کتاب خدا و عترت من ، پس خوب بنگرید

که چگونه جانشین من برای آن دو خواهید بود .(۳)

۶ . دو متن دیگر با سلسله اسنادش مطابق حدیث اوّل که از صحیح مسلم نقل

کردیم ، روایت کرده است .(۴)

طبرانی علاوه بر معجم کبیر در « معجم صغیر » نیز حدیث ثقلین را به دو طریق

روایت کرده :

۱ . با سلسله اسنادش از ابوسعید خُدری ، مطابق دوّمین حدیث احمد حنبل .(۵)

۲ . با سلسله اسنادش از ابوسعید خُدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

إنّی تارک فیکم الثَّقلین ، ما إن تمسّکتم به لن تضلّوا : کتاب اللّه وعترتی ،

وانّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها گذاشتم ، که اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه

نمی شوید ، کتاب خدا و عترت من . که آنها هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در

حوض کوثر بر من وارد شوند .(۶)

۱- [۱] . همان ، ح ۴۹۲۳ .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۷۰ ، ح ۴۹۸۰ و ۴۹۸۱ .

۳- [۳] . همان ، ص ۱۸۲ ، ح ۵۰۲۵ .

۴- [۴] . همان ، ح ۵۰۲۶ و ۵۰۲۸ .

۵- [۵] . معجم صغیر طبرانی ، ص ۱۵۸ ، ح ۳۶۴ ، تحقیق محمّدسلیم ابراهیم سماره ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت .

۶- [۶] . همان ، ص ۱۶۳ ، ح ۳۷۷ .

۱۰ _ مستدرک حاکم

حاکم نیشابوری متوفّای ۴۰۵ ق . در مستدرك خود بر صحیحین حدیث ثقلین را

از چند طریق روایت کرده است :

۱ . با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام

بازگشت از « حجّه الوداع » در سرزمین « غدیر خُم » فرود آمده ، فرمان داد که آنجا را

تمیز کنند ، سایبانی بزنند ، آنگاه خطبه ی معروف خود را ایراد نمود .

متن خطبه ی غدیر بسیار طولانی است ، فرازی از آن را در ضمن « خصائص

نسائی » آوردیم .

حاکم نیز این فراز را دقیقاً مطابق روایت خصائص نسائی آورده است .(۱)

۲ . با سلسله اسنادش متن دیگری را از « زید بن ارقم » نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در میان مکه و مدینه ، در سرزمینی که پنج درخت بزرگ بود فرود آمد ، مردم زیر

درختان را تمیز کردند ، پس از اقامه ی نماز مغرب به ایراد خطابه پرداخته ، بعد از

حمد و ثنای پروردگار و پند و اندرز مردمان ، مطالب فراوانی بیان کردند ، آنگاه فرمودند :

أيّها النّاس ! إنّی تارك فيكم أمرين لن تضلّوا إن اتّبعتموهما ، وهما : كتابُ اللّه

واهلُ بيتی عترتی ؛

هان ای مردمان ، من در میان شما دو چیز وانهادم که اگر از آنها پیروی کنید هرگز

گمراه نمی شوید ، آن دو عبارتند از : کتاب خدا و اهل بیت من ، که همان عترت من

می باشند .(۲)

حاکم پس از نقل هر دو متن تأکید کرده که سند این دو روایت براساس معیار

بخاری و مسلم صحیح می باشد .

۱- [۱] . المستدرك علی الصّحیحین ، حاکم نیشابوری ، ج ۳ ، ص ۱۰۹ ، تحقیق سید هاشم ندوی ، دارالفکر ، بیروت ، ۱۳۹۸ ق . افست چاپ حیدرآبد دکن ، ۱۳۳۵ ق .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۱۰ .

۳ . با سلسله اسنادش از « زید بن ارقم » از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

إنّی تارکٌ فیکم الثَّقلین ، کتابَ اللّه وأهلَ بیتی ، وإنّهما لن یتفرّقا حتّی یردا

علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو چیز گرانبها گذاشتم : کتاب خدا و اهل بیتم ، که هرگز از

یکدیگر جدا نشوند ، تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۱)

* * *

این بود قطره ای از دریا ، اندکی از بسیار و مشتی از خروار ، که در کتب صحاح،

سنن ، مسانید ، معاجم و دیگر کتب پایه و مرجع اهل تسنّن ؛ قرائت مشهور ، مقبول ،

مستفیض ، بلکه متواتر « حدیث ثقلین » که در آن « عترت » و « اهل بیت » همسنگ قرآن

کریم بیان شده ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موقف های حسّاس ، از جمله به هنگام بازگشت از

طائف در سال هشتم هجرت ، در روز عرفه در حجّه الوداع ، در روز عید غدیر در

سرزمین غدیرخم ، در آستانه ی ارتحال در مسجدالنّبی و در بستر مرگ ، در حضور

هزاران تن از اصحاب و یاران بیان فرموده و نوید داده که آنها هرگز از یکدیگر جدا

نمی شوند تا در حوض کوثر بر آن حضرت وارد شوند .

آنچه تقدیم گردید فقط به عنوان تبرّک و نمونه بود ، و اگر بخواهیم در منابع

حدیثی ، تفسیری ، رجالی ، تاریخی و کتب سیره و تراجم دنبال کنیم به دهها برابر

افزایش یافته ، به تدوین چندین مجلّد نیازمند خواهیم بود .

در کتاب شریف « نفحات الأزهار » حدیث شریف ثقلین مطابق قرائت صحیح و

مشهور از ۱۸۷ طریق ، از منابع مورد اعتماد و استناد اهل سنت نقل شده و بررسی

سندی شده است .(۲)

در بخش الحاقی آن که به قلم نادره زمان حضرت آیه اللّه حاج سید عبدالعزیز

طباطبائی قدس سره نگاشته شده ، از ۱۲۶ طریق دیگر روایت شده است .(۳)

۱- [۱] . همان ، ص ۱۴۸ .

۲- [۲] . نفحات الأزهار فی خلاصه العبقات الأنوار ، سید علی میلانی ، نشر آلاء ، قم ، ۱۴۲۳ ق . ج ۱ ، صص ۲۱۰ _ ۴۹۶ .

۳- [۳] . همان ، ج ۲ ، صص ۹۸ _ ۲۲۱ .

محقّق طباطبائی در این بخش الحاقی اسامی راویان حدیث ثقلین را قرن به قرن

آورده و تواتر آن را از عهد صحابه تا عصر حاضر در جمیع طبقات اثبات نموده است .(۱)

این بود اشاره ای کوتاه به سیر تاریخی « حدیث ثقلین » براساس قرائت مشهور :

« کتاب اللّه وعترتی » .

۱- [۱] . همان ، ج ۲ ، صص ۸۷ _ ۹۷ .

بدل سازی

یکی از شیوه های رایج در میان مخالفان اهل بیت عصمت و طهارت شبیه سازی

فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام می باشد .

در برابر هر فضیلتی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد فضایل و مناقب خاندان

عصمت و طهارت صادر شده ، کارخانه های شبیه سازی به کار افتاده ، بدلی و تقلّبی آن

تولید شده ، در سوق مسلمین عرضه شده ، با حمایت همه جانبه ی دشمنان اهل بیت ،

خصوصاً امویان ، رونق گرفته ، رواج یافته ، به منابع حدیثی رخنه کرده ، با نقض و ابرام ، ردّ

و قبول مشهور شده ، در برابر مناقب اصیل و فضایل راستین خودنمایی کرده است .

به عنوان یک نمونه :

در برابر حدیث مشهور ، مستفیض و متواتر : « الحسن و الحسین سیّدا شباب

اهل الجنه » حدیث مجعول وتقلّبی : « فلان وفلان سیّدا کهول اهل الجنه » وارد بازار

شده است ! !

بحث شبیه سازی احادیث بحث جالب ، جاذب ، مفید و گسترده ای است که به

تألیف چند مجلّد نیاز دارد .

تقریباً در برابر همه ی احادیث مربوط به فضایل و مناقب اهل بیت حدیث مشابهی

برای یکی از مخالفان آنها جعل شده است .

حدیث شریف « ثقلین » نیز از این آفت مصون نمانده ، در برابر قرائت مشهور ، مستفیض و متواتر : « کتاب اللّه وعترتی » بدل و تقلّبی آن به عنوان : « کتاب اللّه وسنّتی » به بازار آمده است ، که در این بخش از مقاله به بررسی سندی و محتوایی آن می پردازیم :

ص:۱۸

حدیث ثقلین با قرائت شاذّ و نادر

اشاره

اوّلین منبعی که قرائت شاذّ و نادر : « کتاب اللّه وسنّتی » در آن درج شده ، کتاب

« الموطّأ » امام مالک است که بعدها مستندسازی شده ، با اسناد ضعیف ، مجعول و

بی اعتبار در منابع حدیثی اهل سنت آمده ، که به تفصیل نقد و بررسی خواهد شد .

آخرین منبعی که آن را آگراندیسمان کرده ، با لحن تند و ناهنجاری مطرح کرده ،

یکی از مجلات دو ماهه است ، که به عنوان مصاحبه با یکی از شیفتگان زرق و برق

امویان و دلدادگان تمدّن بنی امیه ! ! درج کرده ، که هر پاراگراف آن به نقد دقیق و ردّ

گسترده نیاز دارد ، که ما به نقد یک پاراگراف آن می پردازیم :

« بزرگ ترین مانع فکری برای این نوع روشنفکری آن است که کسی بر « عترت »

جمود بورزد و بگوید : قرآن و عترت ! ! » .

مجری مصاحبه متوجّه اشتباه عمدی وی شده می گوید :

تأکید فقیهان شیعه بر « عترت » شاید بدین جهت باشد که در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله

واژه « عترتی » آمده است ...

ایشان به لجاجت خود ادامه داده می گوید :

به یقین در روایت هم واژه « سنّتی » بوده و هم « عترتی » ! !(۱)

ما افتخار می کنیم که تسلیم فرمان و مطیع محض اوامر پروردگار هستیم و آنچه از

رسول اکرم صلی الله علیه و آله با اسناد صحیح در منابع اصیل اسلامی به دست ما رسیده ، با همه ی

سلّولهای وجودمان پذیرا هستیم و در حدّ توان به اجرای فرمان تلاش می کنیم ،

اگرچه بیماردلان آن را « جمود فکری » بدانند و این واژه دلنشین و روح نواز : « عترت »

همانند استخوانی در گلوی آنها گیر کند .

و اینک تلاش گسترده ای در مورد این قرائت شاذ و نادر : « کتاب اللّه وسنتی »

نموده ، نتیجه ی تحقیقات خود را در اینجا تقدیم می کنیم و از این استاد بزرگوار

می خواهیم که بیش از این به حریم شکنی ادامه ندهند و حوزویان را مجبور نکند که به

جای معارضه با دشمن مشترک ، به نقد اشتباهات عمدی وی وقت هزینه کنند .

و اینک بررسی منابع این قرائت شاذّ و نادر به ترتیب تسلسل زمانی :

* * *

۱ . امام مالک

نخستین کسی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذّ و نادر نقل کرده ، پیشوای

مالکی ها ، مالک بن انس ، متوفّای ۱۷۹ ق . می باشد .

او در کتاب « المُوَطَّأ » بدون ذکر هیچ سندی می نویسد :

به من رسیده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده :

۱- [۱] . مجله « حوزه » سال ۲۴ ، شماره ۳ ، مسلسل ۱۴۱ ، ص ۳۶ .

« ترکتُ فیکم أمرین ، لن تضلّوا ما مسکتم بهما ، کتاب اللّه وسنّه نبیّه » ؛

من در میان شما دو چیز وانهادم ، تا هنگامی که به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه

نخواهید شد : ۱) کتاب خدا ؛ ۲) سنّت پیامبر خدا .(۱)

امام مالک کتاب « الموطّأ » را در مدّت چهل سال تألیف کرده ، مکرّر آن را منقّح

کرده و احادیث سست و بی پایه را به قدر امکان از آن انداخته است ، از این جهت آن را

به نام « الموطَّأ » به معنای « منقَّح » نامیده است .

وی نخست در آن ۹۰۰۰ حدیث گرد آورده ، هر بار که آن را مرور کرده ، شماری از

آنها را انداخته و در پایان به ۷۰۰ حدیث تقلیل یافته است .(۲)

در نسخه ای که براساس نسخه ی محمّد بن حسن شیبانی تحقیق شده ، سه بار در

هند و دو بار در قاهره منتشر شده ، حدیث فوق یافت نشد .

و این بدان معناست که امام مالک در تحقیقات اخیرش آن را حذف کرده است .

ابن حزم می گوید : من همه ی احادیث « الموطَّأ » را برشمردم ، جمعاً ۵۰۰ و اندی

حدیث مسند ، ۳۰۰ و اندی حدیث مرسل بود و بیش از ۷۰ حدیث در آن هست که

مالک خودش به آن عمل نکرده و در آن احادیث ضعیفی هست که جهمور فقها آن را

تضعیف کرده اند .(۳)

ولی در نسخه ای که براساس نسخه ی یحیی بن یحیی بن کثیر محمودی ، توسّط

محمّدفؤاد عبدالباقی تحقیق و منتشر شده ، این حدیث آمده است .

بررسی حدیث یاد شده :

این حدیث به هیچ وجه قابل اعتماد و استناد نیست ، زیرا :

١- [١] . الموطأ ، ج ٢ ، ص ٨٩٩ ، مالـك بن انس ، تحقيق محمّد فؤاد عبـدالباقى ، دار احيـاء التّراث العربى ، بيروت ، افسـت چاپ قاهره ، ١٣٧٠ ق .

٢- [٢] . الموطّأ ، ص ١٢ ، مقدّمه به قلم عبدالوهّاب عبداللّطيف ، اسـتاد دانشگاه الأزهر ، چاپ دوم ، المكتبه العلميه ، ١٣٩٩ ق . قاهره .

٣- [٣] . همان ، ص ١٩ به نقل از « ابن حزم » در كتاب « مراتب الدّيانه » .

اوّلاً : سند ندارد .

ثانیاً : خود مالک آن را از نسخه های اخیر کتابش انداخته است .

ثالثاً : سیوطی این حدیث را از احادیث جعلی برشمرده است .(۱)

رابعاً : ابن عبدالبرّ که کتاب « الموطّأ » را مستندسازی کرده ، سندی برای آن پیدا

کرده ، که در سند آن « کثیر بن عبداللّه بن عمرو » قرار گرفته و او به هیچ وجه مورد اعتماد

نیست ، چنانکه در ضمن حدیث ششم به بررسی او خواهیم پرداخت .

خامساً : در این حدیث بر تمسّک به قرآن و سنّت تأکید شده ، در حالی که سنّت

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله توسّط متولّیان امر نقض شد ، چنانکه پس از حدیث دهم به طور

مشروح ارزیابی خواهیم نمود .

۲ . ابن هشام

دوّمین منبعی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذّ و نادر آورده ، کتاب : « السّیره

النّبویه » ابن هشام ، متوفّای ۲۱۳ ق . می باشد ، که فرازی از خطبه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در

حجّه الوداع را چنین آورده است :

« وقد ترکت فیکم ما إن إعتصمتم به فلن تضلّوا أبداً ، أمراً بیّناً ، کتاب اللّه

وسنّه نبیه » ؛

من چیزی را در میان شما وانهادم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمی شوید ،

آنْ امری روشن : کتاب خدا و سنّت پیامبرش می باشد .(۲)

بررسی حدیث دوم :

این حدیث نیز قابل استناد و اعتماد نیست ، زیرا :

۱- [۱] . اللئالی المصنوعه ، ج ۱ ، ص ۸۶ ، جلال الدّین سیوطی ، تحقیق ابوعبدالرّحمن صلاح بن محمّد بن عویضه ، دار الکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۴۱۷ ق .

۲- [۲] . السّیره النبویه ، ج ۶ ، ص ۱۰ ، ابن هشام ، تحقیق طه عبدالرّؤف سعد ، دارالجیل ، بیروت .

اولاً : سند ندارد .

ثانیاً : در این متن نیز بر چنگک زدن به قرآن و سنت تأکید شده ، در حالی که سنّت از سوی متولّیان امر خلافت نقض گردیده است .

۳ . دار قطنی

نخستین منبعی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذّ و نادر همراه با سند آورده ، « سنن دار قطنی » متوفّای ۳۸۵ ق . می باشد .

دار قطنی در سنن خود ، از ابوبکر شافعی ، با سلسله اسنادش از ابوهریره ، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

« خلّفت فیکم شیئین لن تضلّوا بعدهما : کتاب اللّه وسنّتی ، ولن یفترقا حتّی یردا علیَّ الحوض » ؛

دو چیز در میان شما بر جای نهادم که پس از آن دو هرگز گمراه نشوید ، ۱) کتاب خدا ؛ ۲) سنّت من ، آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۱)

بررسی حدیث سوّم :

این متن نیز قابل اعتماد و استناد نیست ، زیرا :

اوّلاً : در سند آن « صالح بن موسی » قرار گرفته و او را احدی از علمای رجال توثیق نکرده است .

و اینک خلاصه گفتار علمای رجال در حقّ او :

۱) جوزجانی : حدیثش ضعیف است .

۲) ابوحاتم : حدیثش ضعیف است ، به شدّت مُنکَر است و منکرات فراوانی را

۱- [۱] . سنن دار قطنی ، ج ۴ ، ص ۲۴۵ ، علی بن عمر دارقطنی ، تحقیق سید عبداللّه هاشم یمانی ، با پاورقیهای شمس الحق عظیم آبادی ، دار المحاسن ، قاهره ، ۱۳۸۶ ق .

نقل کرده به افراد مورد اعتماد نسبت داده است .(۱)

۳) بخاری : منکر الحدیث است .(۲)

۴) ابن معین : به چیزی نمی ارزد ، ثقه نیست و حدیثش نوشته نمی شود .

۵) نسائی : ضعیف و متروک الحدیث است .

۶) ابن عدی : با این همه احادیثی که نقل کرده ، کسی از او پیروی نکرده .

۷) ترمذی : برخی از اهل علم درباره اش سخن ها گفته اند .

۸) احمد حنبل : نمی دانم .

۹) عقیلی : از هیچ یک از احادیثش نمی توان پیروی کرد .

۱۰) ابن حبان : از افراد موثّق چیزهایی نقل می کند که شباهتی به روایت افراد

موثّق ندارد ، احتجاج به سخنان او جایز نیست .

۱۱) ابونعیم : متروک است ، روایات منکر نقل می کند .(۳)

۱۲) ذهبی : ضعیف است(۴) نمی توان به سخنانش احتجاج نمود .(۵)

ثانیاً : در این حدیث پیشگویی شده که قرآن و سنت هرگز از یکدیگر جدا

نخواهند شد ، در حالی که به دست متولّیان امر ، سنّت پیامبر از قرآن جدا گردید .

در این رابطه به تفصیل سخن خواهیم گفت .

۴ . حاکم نیشابوری

بعد از دارقطنی دوّمین کسی که حدیث ثقلین را با قرائت شاذّ و نادر آن روایت

۱- [۱] . الجرح و التّعدیل ، ج ۴ ، ص ۴۱۵ ، ابن أبی حاتم رازی ، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی یمانی ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، افست چاپ حیدرآباد دکن ، ۱۳۷۱ ق .

۲- [۲] . التاریخ الکبیر ، ج ۴ ، ص ۲۹۱ ، بخاری ، دار الکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۴۰۷ ق . افست چاپ حیدرآباد دکن ، ۱۳۶۰

ق .
۳- [۳] . تهذیب التّهذیب ، ج ۲ ، ص ۵۴۰ ، ابن حجر عسقلانی ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، ۱۴۱۲ ق .
۴- [۴] . میزان الاعتدال ، ج ۲ ، ص ۳۰۲ ، ذهبی ، تحقیق علی محمّدبجاوی ، دار الفکر ، بیروت ، افست چاپ مصر ، ۱۳۸۲ ق .
۵- [۵] . سیر أعلام النّبلاء ، ج ۸ ، ص ۱۸۰ ، ذهبی ، تحقیق شعیب أرنؤوط ، مؤسّسه الرّساله ، بیروت ، چاپ هشتم ، ۱۴۱۲ ق .

کرده ، حاکم نیشابوری ، متوفّای ۴۰۵ ق . است ، که در کتاب « المستدرک علی

الصّحیحین » آن را به دو طریق نقل کرده است :

۱) با سلسله اسنادش از ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، در فرازی از خطبه ی آن

حضرت در حجّه الوداع :

« یا أیّها النّاس ! إنّی قد ترکت فیکم ما إن إعتصمتم به فلن تضلّوا أبداً :

کتاب اللّه وسنّه نبیّه » ؛

هان ای مردمان ، من در میان شما چیزی را وانهادم که اگر به آن چنگ بزنید ، هرگز

گمراه نمی شوید : کتاب خدا و سنّت پیامبرش .(۱)

بررسی این متن :

این متن نیز مورد اعتماد و استناد نیست ، زیرا :

« اسماعیل بن ابی اویس » در سند آن قرار گرفته ، که ابن حجر عسقلانی در مورد

او می نویسد :

۱) ابن ابی خیثمه : او راستگو ولی سبک مغز است ، حدیث را نمی شناسد و راه

نقل آن را نمی داند .

۲) معاویه بن صالح : او و پدرش هر دو ضعیف هستند .

۳) ابن معین : او و پدرش هر دو حدیث را می دزدیدند ، او به دو پول نمی ارزد .

۴) یحیی : حدیث را خلط می کرد و دروغ می بافت ، به چیزی نمی ارزد .

۵) ابوحاتم : راستگو ولی خیره سر بود .

۶) نسائی : ضعیف و غیرمورد اعتماد بود .

۷) ابن عدی : از دائی اش (مالک) احادیث عجیب و غریبی نقل کرده ، که احدی از

او پیروی نکرده است .

۱- [۱] . المستدرک علی الصّحیحین ، ج ۱ ، ص ۹۳ ، حاکم نیشابوری ، تحقیق سید هاشم ندوی ، دارالفکر ، بیروت ، ۱۳۹۸ ق . افست چاپ حیدرآباد دکن ، ۱۳۳۵ ق .

۸) عقیلی او را در میان ضعفاء نام برده .

۹) دولابی نیز او را در میان ضعفاء یاد کرده است .

۱۰) دار قطنی : من او را در ردیف صحیح نمی پذیرم .

۱۱) خلیلی در ارشاد : وی ۲۰ درهم از تاجری رشوه گرفت و جامه ی

۵۰ درهمی اش را به امیر به یکصد درهم فروخت .

۱۲) اسماعیلی در مدخل : او به قدری سبک مغز بود که نمی خواهم از او نام ببرم .

۱۳) ابن حزم در محلّی : او حدیث جعل می کرد .

۱۴) سلمه بن شبیب : او به من گفت : در مواردی که اهل مدینه با یکدیگر اختلاف

دارند ، من برای آنها حدیث جعل می کنم ! !

۱۵) برقانی : چون نسائی بر این داستان (اعتراف او به جعل حدیث) واقف شد ،

از او پرهیز کرد و حدیثی از وی نقل نکرد و گفت : او مورد اعتماد نیست .(۱)

حاکم پس از نقل متن فوق می نویسد : ذکر تمسّک به سنّت در این خطبه جای

شگفت است .

آنگاه برای رفع شگفتی آن می نویسد :

من برای این حدیث شاهدی از روایت ابوهریره پیدا کرده ام :

۲) ابوبکر بن اسحاق با سلسله اسنادش از ابوهریره ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهروایت

کرده که فرمود :

« إنّی ترکت فیکم شیئین لن تضلّوا بعدهما : کتاب اللّه وسنّتی ، ولن یتفرّقا

حتّی یردا علیَّ الحوضَ ؛

من در میان شما دو چیز وانهادم که پس از آن دو هرگز گمراه نشوید : ۱) کتاب

خدا ؛ ۲) سنّت من ، که هرگز از یکدیگر جدا نشوید ، تا در حوض کوثر بر من وارد

شوند .(۲)

ص:۲۶

۱- [۱] . تهذیب التّهذیب ، ج ۱ ، ص ۱۹۷ .

۲- [۲] . مستدرک ، همان .

این شاهد نیز غرابت متن پیشین را رفع نمی کند ، زیرا :

اوّلاً : در سند این متن « صالح بن موسی » قرار گرفته ، که همه ی علمای رجال بر ضعیف بودن او اتّفاق نظر دارند و ما تعبیر ۱۲ تن از آنها را در ذیل حدیث سوم (حدیث دارقطنی) نقل کردیم .

ثانیاً : در این متن نیز بر جدا نشدن قرآن و سنّت از یکدیگر تأکید شده ، در حالی که به دست متولّیان امر از یکدیگر جدا شدند .

۵. بیهقی

بعد از حاکم ، ابوبکر بیهقی ، متوفّای ۴۵۸ ق . نیز قرائت شاذّ و نادر حدیث ثقلین را به دو طریق در سنن خود آورده :

۱) از طریق « ابن أبی اُویس » از ابن عباس ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

« یا أیّها النّاس ! إنّی قد ترکت فیکم ما إن إعتصتم به فلن تضلّوا أبداً ، کتاب اللّه وسنّه نبیّه » ؛

هان ای مردمان ، من در میان شما چیزی وانهادم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمی شوید : کتاب خدا و سنّت پیامبر خدا .(۱)

۲) از طریق « صالح بن موسی » از ابوهریره ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود :

« إنّی قد خلّفت فیکم ما لن تضلّوا بعدهما ، ما أخذتم بهما ، أو عملتم بهما : کتاب اللّه وسنّتی ، ولن تفرّقا حتّی یردا علیَّ الحوضَ » ؛

من در میان شما دو چیز برجای نهادم که تا هنگامی که آنها را محکم گرفته به آنها عمل کنید هرگز گمراه نمی شوید : ۱) کتاب خدا ؛ ۲) سنّت من ، آن دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

۱- [۱] . السّنن الكبرى ، ج ۱۰ ، ص ۱۱۴ ، ابوبكر بيهقى ، دار الفكر ، بيروت ، افست چاپ حيدرآباد دكن .
۲- [۲] . السّنن الكبرى ، همان .

بررسی این دو متن :

این دو متن نیز قابل اعتماد و استناد نمی باشند ، زیرا :

در متن نخستین « ابن ابی اویس » قرار گرفته ، که کلمات علمای رجال را پیرامون او در ذیل حدیث چهارم (حدیث مستدرک) آوردیم .

در متن دوم نیز « صالح بن موسی » در سندش قرار گرفته ، که جایگاه او را از نظر ضعف و بی اعتباری در ذیل حدیث سوم (حدیث دارقطنی) بیان کردیم .

از نظر محتوا نیز مورد اعتماد نمی باشد ، زیرا :

اوّلاً : در این دو متن به چنگ زدن و عمل کردن به قرآن وسنّت تأکید شده و چنین چیزی از سوی متولّیان امر اتّفاق نیفتاد .

ثانیاً : در متن دوّم بر جدا نشدن قرآن و سنّت تأکید شده که توسط متولّیان امر جدایی افتاد .

ثالثاً : با قرائت صحیح و رائج حدیث ثقلین سازگاری ندارد که خود بیهقی حدیث ثقلین را به تعبیر : « کتاب اللّه وأهل بیتی » از طریق ابوحیّان تیمی روایت کرده و بر صحّت آن تصریح کرده است .(۱)

۶ . ابن عبدالبرّ

ابن عبدالبرّ ، صاحب کتاب « الاستیعاب » متوفّای ۴۶۳ ق . به مستندسازی کتاب « الموطّأ » پرداخته و مجموعه گسترده ای به نام « التمهید لما فی الموطّأ من المعانی والاسانید » تألیف کرده و همه ی احادیث مرسل کتاب الموطّأ را ــ به جز چند مورد ــ مستند کرده است ، از جمله برای متن قرائت شاذّ و نادر که در آغاز این بخش از امام مالک نقل کردیم سندی از طریق : « کثیر بن عبداللّه قرطبی » پیدا کرده است .(۲)

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . التّمهيـد لما فی الموطّأ من المعانی والأسانيـد ، ج ۲۴ ، ص ۳۳۱ ، تحقيق مصـطفی بن احمد علوی و محمّد عبدالكبير بكری ، وزارت اوقاف ، مغرب ، ۱۳۸۷ ق .

بررسی سند این متن :

این متن و سند نیز قابل اعتماد و استناد نمی باشد ، زیرا :

اوّلاً : کثیر بن عبداللّه قرطبی در سند آن قرار گرفته که همه ی علمای رجال بر ضعف او اتّفاق نظر دارند و اینک متن تعبیر بزرگان حوزه رجال :

۱) احمد حنبل : منکر الحدیث است ، به چیزی نمی ارزد .

۲) احمد حنبل به ابوخثیمه : چیزی از او روایت نکن .

۳) ابن معین : ضعیف الحدیث است ، به چیزی نمی ارزد .

۴) ابوداود : او یکی از دروغ گویان بود .

۵) شافعی : وی یکی از دروغ پردازان بود .

۶) ابوزرعه : سست حدیث بود .

۷) ابوحاتم : استوار نبود .

۸) نسائی : متروك الحدیث بود و مورد اعتماد نبود .

۹) دار قطنی : متروك الحدیث بود .

۱۰) ابن حبّان : متن نوشتاری ساختگی از پدرش ، از جدش روایت کرده ، که نقل آن در کتاب جایز نیست ، مگر برای اظهار تعجّب .

۱۱) مطرف : احدی از اصحاب ما از او حدیث نقل نمی کرد .

۱۲) ابن عبدالبرّ : بر ضعف او اتّفاق نظر هست .(۱)

ثانیاً : در این متن بر تمسّک به قرآن و سنّت تأکید شده که چنین امری از سوی متولّیان امر اتّفاق نیفتاد .

ثالثاً : مطابق نقل ابن حجر ، خود ابن عبدالبرّ بر ضعیف بودن کثیر بن عبداللّه ادّعای

اجماع کرده است .(۲)

ص:۲۹

۱- [۱] . تهذیب التّهذیب ، ج ۴ ، ص ۵۸۳ .

۲- [۲] . همان ، ص ۵۸۴ .

۷ . قاضی عیاض

عیاض بن موسی یحصبی ، مشهور به « قاضی عیاض » متوفّای ۵۴۴ ق . در کتاب « الإلماع » این متن را با قرائت شاذّ و نادر با سلسله اسنادش از ابوسعید خدری ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است .(۱)

بررسی سند این متن :

این متن نیز قابل اعتماد و استناد نیست ، زیرا شماری از راویان واقع در طریق آن ضعیف هستند که فقط به یکی از آنها اشاره می کنیم و او « سیف بن عمر » است ، که ابن حجر عسقلانی متن گفتار علمای رجال را در حق او به شرح زیر آورده است :

۱) ابن معین : ضعیف الحدیث است .

۲) مرّه : در او خیری نیست .

۳) ابوحاتم : متروک الحدیث است .

۴) ابوداود : به چیزی نمی ارزد .

۵) نسائی : ضعیف است .

۶) دار قطنی : ضعیف و متروک است .

۷) ابن عدی : برخی از احادیثش مشهور ، ولی همه اش منکر است ، کسی از او پیروی نکرده .

۸) ابن حبّان : به زندیق بودن متهم بود ، حدیث جعل می کرد و احادیث جعلی را به بزرگان نسبت می داد .

۹) حاکم : به زندقه متهم بود و روایاتش از درجه اعتبار ساقط است .(۲)

١- [١] . الإلماع فی ضبط الرّوایه و تقیید السّماع ، ص ٨ _ ٩ ، قاضی عیاض ، تحقیق سید احمد صقر ، دار التراث والمکتبه العتیقه ، قاهره _ تونس ، ١٣٧٩ ق .

٢- [٢] . تهذیب التّهذیب ، ج ٢ ، ص ٤٧٠ .

۸. ابن خلدون

عبدالرحمن بن خلدون ، متوفّای ۸۰۸ ق . در مقدّمه ی خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده که فرمود :

« ترکت فیکم أمرین ، لن تضلّوا ما تمسّکتم بهما ، کتاب اللّه وسنّتی » ؛

دو چیز در میان شما وانهادم ، که تا هنگامی که به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نمی شوید : ۱) کتاب خدا ؛ ۲) سنّت من .(۱)

این متن نیز قابل اعتماد نیست ، زیرا :

اوّلاً : سند ندارد .

ثانیاً : شرط تمسّک دارد که عملاً نقض گردیده .

ثالثاً : ابن خلدون از مردان این میدان نیست و هر جا که در حوزه حدیثی سخن گفته ، فضاحت بار آورده ، که یک مورد آن حوزه مهدویّت است ، که احادیث مهدویت را زیر سؤال برده(۲) و یکی از بزرگان اهل سنت نقد عالمانه ای بر او نوشته و سخنان بی پایه اش را پاسخ داده است .(۳)

ابن خلدون علیرغم اطلاعات گسترده اش در مسائل تاریخی می نویسد : شیعیان دوازده امامی معتقدند که حضرت مهدی در خانه اش واقع در « حلّه » وارد سرداب شده ، در آنجا مختفی گردید ! ! .. آنگاه افسانه های فراوانی در این رابطه به شیعیان نسبت داده است ! .(۴)

وی در اثر تعصّب عجیبی که علیه اهلبیت دارد ، در مورد جنگ صفّین بحث کرده ،

۱- [۱] . مقدّمه ابن خلدون ، ص ۵۴۳ ، عبدالرّحمن بن خلدون ، دار الفکر ، بیروت .

۲- [۲] . همان ، ص ۳۱۱ _ ۳۱۲ .

۳- [۳] . إبراز الوهم المکنون من کلام إبن خلدون ، احمد بن محمّد بن صدیق حضرمی ، متوفّای ۱۳۸۰ ق . چاپ مطبعه ترقّی ، دمشق ، ۱۳۴۷ ق . ۱۵۶ صفحه وزیری .

۴- [۴] . مقدّمه ابن خلدون ، ص ۱۹۹ .

از معاویه دفاع کرده ، خلافت او را به اجماع امت دانسته و در مورد حضرت علی علیه السلام

بر نبودن چنین اجماعی تصریح کرده است .(۱)

وی در مورد فاجعه کربلا نیز اصحاب یزید را مجتهد و بر حق دانسته ، امام

حسین علیه السلام را به خطا نسبت داده است .(۲)

و لذا از امثال ایشان تعجّبی نیست که در مقابل حدیث ثقلین نیز به بدل سازی

پرداخته ، به جای « عترتی » ؛ « سنّتی » نقل کند .

۹ . سیوطی

جلال الدین سیوطی ، متوفّای ۹۱۱ ق . در کتاب « خصائص » از بیهقی نقل کرده که

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع فرمود :

« إسمعوا قولی ، فإنّی قد ترکت فیکم ما إن إعتصمتم به لن تضلّوا : کتاب اللّه

وسنّتی » ؛

به سخن من گوش فرادهید ، من در میان شما چیزی وانهاده ام که اگر بر آن چنگ

بزنید هرگز گمراه نخواهید شد ، کتاب خدا و سنّت من .(۳)

ضعف طریق بیهقی را در ذیل حدیث چهارم بررسی کردیم و در ذیل حدیث اوّل

یادآور شدیم که سیوطی آن را از احادیث ساختگی برشمرده است .(۴)

۱۰ . متقی هندی

علاءالدّین بن حسام الدّین ، متّقی هندی ، متوفّای ۹۷۵ ق . در کتاب : « کنز العمّال »

قرائت شاذّ و نادر آن را از دو منبع قدیمی نقل کرده :

۱- [۱] . همان ، ص ۲۱۸ .

۲- [۲] . همان ، ص ۲۱۷ .
۳- [۳] . الخصائص الکبری ، ج ۲ ، ص ۶۵ ، جلال الدّین سیوطی ، دار الکتب العلمیه ، بیروت ، چاپ سوم ، ۱۴۲۴ ق .
۴- [۴] . اللّئالی المصنوعه ، ج ۱ ، ص ۸۶ .

۱) کتاب « الغیلانیات » از ابوبکر شافعی(۱)

۲) کتاب « الإبانه » از ابونصر سجزی(۲)

بررسی دو متن یاد شده :

هیچکدام از این دو متن فوق مورد اعتماد و استناد نیستند :

متن اوّل مورد اعتماد نیست ، زیرا :

اوّلاً : کتاب « الغیلانیات من أجزاء الأحادیث » تألیف ابوبکر شافعی ، متوفّای ۳۵۴ ق . به دست ما نرسیده و متّقی هندی سند آن را نقل نکرده است ، تا سند آن را بررسی کنیم .

ثانیاً : اگر سند آن همان باشد که دار قطنی آن را به نقل از ابوبکر شافعی در سنن خود آورده ، در طریق آن « صالح بن موسی » قرار گرفته و ما بی اعتبار بودن آن را در ذیل حدیث سوّم نقل کردیم .

ثالثاً : در این متن بر جدا نشدن قرآن و سنّت از یکدیگر تأکید شده و آن عملاً اتّفاق نیفتاده است .

متن دوّم نیز مورد اعتماد و استناد نیست ، زیرا :

اوّلاً : دو برادر در یک زمان زندگی می کردند که هر دو ملقّب به : « سجزی » و مکنّی به : « ابونصر » بودند ، یکی : عبداللّه بن سعید بن حاتم ، متوفّای ۴۶۹ ق . و دیگری : عبیداللّه بن سعید بن حاتم ، متوفّای ۴۴۴ ق . و ما نمی دانیم که منظور متّقی هندی از « ابونصر سجزی » کدامین برادر است .

ثانیاً : هر یک از این دو برادر کتابی به نام « الإبانه » داشتند :

۱) الإبانه فی الرّدّ علی الرّافعین ، از عبداللّه بن سعید بن حاتم

۱- [۱] . کنزالعمال ، ج ۱ ، ص ۱۷۳ ، متقی هندی ، تحقیق بکری حیّانی و صفوه السقا ، مؤسسه الرساله ، بیروت ، ۱۴۰۹ ق .

۲- [۲] . همان ، ص ۱۸۷ .

۲) الإبانه الکبری فی مسأله القرآن ، از عبیداللّه بن سعید بن حاتم(۱) و ما نمی دانیم که منظور از کتاب « الابانه » کدامین است .

ثالثاً : این کتابها به دست ما نرسیده و متّقی هندی نیز سند آنها را برای ما نقل نکرده است .

رابعاً : مطابق نقل متّقی هندی ، خود صاحب « الابانه » بر این حدیث تعلیقه زده و شگفتی خودش را از بودن چنین حدیثی ابراز کرده است .(۲)

خامساً : متّقی هندی خود در کنزالعمال حدیث ثقلین را از ده ها منبع نقل کرده ، که در همه آنها : « کتاب اللّه وعترتی » یا « کتاب اللّه واهل بیتی » آمده است .(۳)

نقد و بررسی قرائت : کتاب اللّه و سنتی

از بررسی منابع حدیثی قرائت شاذّ و نادر « کتاب اللّه و سنتی » هر فرد باانصافی به این نتیجه می رسد که این قرائت به هیچ وجه قابل اعتماد و استناد نمی باشد ، زیرا :

۱ . تعبیر : « کتاب اللّه و سنتی » در صحیحین نیامده ، در حالی که : « کتاب اللّه و اهل بیتی » در صحیح مسلم آمده است .(۴)

۲ . تعبیر : « کتاب اللّه و سنّتی » در هیچ یک از سنن چهارگانه نیامده ، در حالی که تعبیر : « کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی » در سنن ترمذی آمده است .(۵)

۳ . تعبیر : « کتاب اللّه و سنّتی » در شماری از منابع حدیثی چون : « الموطّأ » بدون سند آمده(۶) در حالی که قرائت مشهور : « کتاب اللّه وعترتی » در صحاح ، سنن ، مسانید ، معاجم و دیگر منابع حدیثی با سندهای صحیح آمده ، که به چند نمونه ی آن در همین گفتار اشاره کردیم .

۱- [۱] . معجم المؤلّفين ، ج ۶ ، ص ۵۸ و ۲۳۹ ، عمر رضا کحّاله ، دار احیاء التّراث العربی ، بیروت ، ۱۳۷۶ ق .
۲- [۲] . کنز العمال ، ج ۱ ، ص ۱۸۸ .
۳- [۳] . همان ، ص ۱۷۲ _ ۱۸۸ .
۴- [۴] . صحیح مسلم ، ج ۴ ، ص ۱۸۷۳ .
۵- [۵] . الجامع الصحیح ، ترمذی ، ج ۵ ، ص ۶۶۲ .
۶- [۶] . الموطّأ ، ج ۲ ، ص ۸۹۹ .

۴ . تعبیر : « کتاب اللّه و سنّتی » در هیچ منبعی با سند صحیح یا حسن نیامده ، بلکه با سند ضعیف و باطل آمده ، چنانکه به تفصیل بیان شد و اینجا فقط اشاره می کنیم :

۱) در سند دار قطنی : « صالح بن موسی » واقع شده ، که رجالیّون او را : ضعیف ، متروک الحدیث ، منکر الحدیث ، غیر موثّق و غیرقابل اعتماد و احتجاج دانسته اند .(۱)

۲) در سند حاکم : « اسماعیل بن ابی اویس » قرار گرفته ، که علمای رجال او را : ضعیف ، خیره سر ، سبک مغز ، حدیث دزد ، رشوه بگیر ، دروغ پرداز ، خلط کننده و معترف به جعل حدیث معرّفی کرده اند .(۲)

۳) در سند ابن عبدالبرّ : « کثیر بن عبداللّه بن عمرو قرطبی » واقع شده ، که حدیث شناسان او را : ضعیف ، دروغ گو ، منکر الحدیث ، واهی الحدیث ، متروک الحدیث ، غیرموثّق و غیرمتین دانسته اند و شخص ابن عبدالبرّ گفته : بر ضعف او اتّفاق نظر است .(۳)

۴) در سند قاضی عیاض : « سیف بن عمر » واقع شده ، که کارشناسان رجال حدیث او را : ضعیف ، متروک الحدیث ، منکر الحدیث ، حدیث ساز و ساقط از اعتبار دانسته ، به کفر و زندقه متّهم کرده اند .(۴)

۵ . دانشمند معاصر اردنی : حسن بن علی سقّاف شافعی ، می نویسد :

روایتی که در آن به جای : « اهل بیتی » لفظ « سنّتی » وارد شده ، از نظر سند باطل است ،(۵) در حالی که ده ها تن از بزرگان اهل سنّت به صحیح بودن : « کتاب اللّه وعترتی » تصریح کرده اند ، که از آن جمله است :

۱) حاکم نیشابوری ، متوفّای ۴۰۵ ق . در مستدرک .(۶)

۱- [۱] . تهذیب التهذیب ، ابن حجر عسقلانی ، ج ۲ ، ص ۵۴۰ .

۲- [۲] . همان ، ج ۱ ، ص ۱۹۷ .

۳- [۳] . تهذیب التهذیب ، ج ۴ ، ص ۵۸۳ .

۴- [۴] . همان ، ج ۲ ، ص ۴۷۰ .

۵- [۵] . صحیح صفه صلاه النبی ، سقاف ، ص ۲۸۹ .

۶- [۶] . المستدرک علی الصّحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۰۹ .

۲) حافظ ابن کثیر ، متوفّای ۷۷۴ ق . در بدایه .(۱)

۳) حافظ علی بن ابی بکر هیثمی ، متوفّای ۸۰۷ ق . در مجمع .(۲)

۴) حافظ ابن حجر عسقلانی ، متوفّای ۸۵۲ ق . در مطالب عالیه .(۳)

۵) جلال الدین سیوطی ، متوفّای ۹۱۱ ق . در جامع صغیر .(۴)

۶) ابن حجر مکّی ، متوفّای ۹۷۴ ق . در صواعق .(۵)

۷) علاّمه مناوی ، متوفّای ۱۰۳۰ ق . در فیض القدیر .(۶)

۶ . این دانشمند اردنی در کتاب دیگرش با صراحت هر چه تمام تر می گوید :

تعبیر « کتاب اللّه وسنتی » که در السنه ی مردم جاری است و خطیبان آن را با آب و تاب بر فراز منبرها می خوانند ، حدیثی موضوع و مجعول است که امویان و پیروان آنها آن را جعل کرده اند ، تا مردم را از حدیث صحیح : « کتاب اللّه و عترتی » باز دارند .(۷)

وی در ادامه ی گفتار پیشین خود می گوید : حدیث « کتاب اللّه وعترتی » بی گمان مجعول است و شکّی نیست که بنی امیّه در جعل آن دست داشته اند .(۸)

۷ . اگر فرض کنیم که تعبیر « کتاب اللّه وسنتی » سند معتبری داشته باشد ، هرگز نمی تواند با متن معتبر ، مستند ، مشهور ، مستفیض و متواتری که همه ی بزرگان بر صحیح بودن آن تصریح کرده اند ، معارضه کند .

۸ . اگر فرض کنیم که قرائت « کتاب اللّه و سنّتی » سند صحیح داشته باشد ، آیا سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله را از چه کسی فرابگیریم ؟ از اهل بیت که « هُم أدری بما فی البیت » ؟ از امیرمؤمنان علیه السلام که آیه تطهیر بر عصمت وی دلالت دارد ؟ از امیرمؤمنان علیه السلام که سالها

۱- [۱] . البدایه والنّهایه ، ج ۵ ، ص ۲۰۹ ، مکتبه المعارف ، بیروت ، چاپ ششم ، ۱۴۰۹ ق .

۲- [۲] . مجمع الزّوائد ، ج ۹ ، ص ۱۶۴ .
۳- [۳] . المطالب العالیه ، تحقیق حبیب الرّحمن اعظمی ، دار المعرفه ، بیروت ، ج ۴ ، ص ۶۵ .
۴- [۴] . الجامع الصّغیر ، دار الکتب العلمیه ، بیروت ، چاپ سوّم ۱۴۲۷ ق . ص ۱۵۷ .
۵- [۵] . الصّواعق المحرقه ، ص ۱۵۰ .
۶- [۶] . فیض القدیر ، تحقیق احمد عبد السلام ، دار الکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۴۲۲ ق . ج ۳ ، ص ۲۰ .
۷- [۷] . صحیح شرح العقیده الطّحاویّه ، حسن بن علی سقّاف ، دار الامام النّووی ، عمان ، اردن ، ۱۴۱۶ ق . ص ۶۵۴ .
۸- [۸] . صحیح صفه صلاه النّبی ، سقّاف ، ص ۲۹۰ .

پیش از بعثت در محضر پیامبر اکرم بوده ، پیش از بعثت سالها در معیّت آن حضرت

نماز خوانده و همانند سایه همواره پشت سر آن حضرت بوده است ؟ یا از امثال

« ابوهریره » که دو سه سال بیشتر محضر پیامبر را درک نکرده ، ولی صدها حدیث از

زبان پیامبر نقل کرده و برای جعل برخی از احادیث صدها هزار درهم از معاویه

اجرت گرفته است ؟ ! !

برای شناخت بهتر ابوهریره به کتابهایی که مستقلاًّ پیرامون وی تألیف شده

مراجعه فرمایید .(۱)

۹ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین با جمله ی : « لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض »

با قاطعیت تمام خبر داده که قرآن و عترت هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در روز

قیامت در کنار حوض کوثر بر آن حضرت وارد شوند ، ولی اگر تعبیر « کتاب اللّه

وسنتی » را پذیرا شویم باید بگوییم که پیشگویی پیامبر اتّفاق نیفتاد ، زیرا در همان

روزهای نخستین با تألیف و تدوین سنّت مخالفت شد و در حدود یک قرن از کتابت

حدیث به شدت جلوگیری شد ، و در این رابطه روایات فراوان جعل کرده به پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله نسبت دادند ، از جمله :

لا تکتبوا عنّی الاّ القرآن ، فمن کتب عنّی غیر القرآن فلیمحه ، وحدّثوا عن

بنی إسرائیل ولا حرج ؛

از من به جز قرآن چیزی ننویسید ، هر کس از من چیزی به جز قرآن نوشته باشد

باید آن را نابود سازد ، ولی اگر از بنی اسرائیل چیزی حدیث کنید مانعی ندارد ! !(۲)

با جعل احادیثی از این قماش ، اوّلاً : از نشر سنّت نبوی جلوگیری شد ، ثانیاً : راه

برای نقل اسرائیلیات فراهم گردید .

عبداللّه بن مسعود ، ابودرداء و ابومسعود انصاری به جرم نقل حدیث زندانی

ص:۳۷

۱- [۱] . از قبیـل : ۱) شـیخ المضـیره ، از ابوریّه ، مؤسسه اعلمی ، بیروت ، ۱۳۸۵ ق . ۲) أبوهریره ، از مرحوم شـرف الدین ، مطبعه حیدریه ، نجف اشرف ، ۱۳۷۵ ق . ۳) أکثر أبوهریره ، از دکتر مصطفی بوهندی ، دلیل ما ، قم ، ۱۳۸۵ ش .

۲- [۲] . کنز العمال ، متقی هندی ، ج ۱ ، ص ۱۹۹ ، ح ۱۰۰۵ .

شدند(۱) به فرمان خلیفه همه ی کتابهای حدیثی طعمه ی حریق شد(۲) و این منع حدیث تا زمان عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت .

۱۰ . بسیاری از بزرگان اهل سنّت و همه ی علمای شیعه از حدیث ثقلین ، امتداد امامت اهلبیت را تا پایان جهان استفاده کرده اند ، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث متواتر خبر می دهد که قرآن و عترت تا روز رستاخیز هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد ، پس اگر روزی بیاید که در آن پیشوایی قابل تمسّک از عترت پیامبر نباشد پیشگویی پیامبر خلاف خواهد شد و چنین چیزی امکان پذیر نمی باشد ، زیرا قرآن کریم گفته های پیامبر را قطعی و غیرقابل تردید دانسته ، با قاطعیّت می فرماید :

« وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی * إِنْ هُوَ إِلاّ وَحْیٌ یُوحی » ؛

هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید ، به جز آنچه به او وحی می شود .(۳)

قرآن کریم صدق گفتار پیامبر اکرم را تضمین کرده ، در حالیکه اگر « کتاب اللّه وسنّتی » را بپذیریم ، گفتار پیامبر خلاف خواهد بود ، زیرا از نخستین روزهای ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سنّت او را زیر پا نهادند ، خواسته های خود را جایگزین سنّت پیامبر کردند ، حتّی از نقل و نشر و تدوین سنّت آن حضرت به شدّت نهی کردند ، و اینک چند نمونه از مخالفت متولّیان امر با سنّت قطعی پیامبر :

۱ . حجّ تمتّع

متعه الحجّ ریشه ی قرآنی دارد و از سنّت قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع می باشد ، ولی خلیفه دوّم گفت :

خدا هر چه خواسته به پیامبرش اجازه داده ، شما خود نگهداری کنید و عمره را منحصراً در غیر « اشهر حج » انجام بدهید .(۴)

۱- [۱] . تذکره الحفاظ ، ذهبی ، ج ۱ ، ص ۷ .

۲- [۲] . الطبقات الکبری ، ابن سعد ، ج ۵ ، ص ۱۸۸ .

۳- [۳] . سوره ی النّجم ، آیه ی ۳ و ۴ .

۴- [۴] . مشکل الآثار طحاوی ، ج ۲ ، ص ۱۴۶ .

۲ . ازدواج موقّت

متعه النّساء نیز ریشه ی قرآنی دارد ، ولی خلیفه گفت :

هر کس متعه انجام دهد او را سنگسار می کنم .(۱)

و خود به صراحت می گوید :

متعتان کانتا علی عهد رسول اللّه ، أنا أنهی عنهما وأعاقب علیهما : متعه

الحجّ ومتعه النّساء ؛

دو « متعه » در عهد پیامبر رایج بود ، من از آنها نهی می کنم ، و بر آنها کیفر می کنم :

۱) متعه الحجّ (انجام دادن عمره در اشهر حج) .

۲) متعه النّساء (ازدواج موقت) .(۲)

۳ . سه طلاق در یک مجلس

از سنّت قطعی عهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که سه طلاق در یک مجلس ، یک طلاق

محسوب شود ، خلیفه ی دوم آن را سه طلاق قرار داد .(۳)

۴ . ترک تیمّم و نماز

تیمّم در قرآن کریم به صراحت آمده و جزء سنّت قطعی پیامبر بود، از خلیفه دوم

پرسیدند : گاهی پیش می آید یک ماه ، دو ماه آب پیدا نمی کنیم ، خلیفه گفت :

من تا وقتی که دسترسی به آب پیدا کنم نماز نمی خوانم .(۴)

۵ . نماز تمام در سفر

نماز شکسته برای مسافر ریشه ی قرآنی دارد و از سنّت قطعی پیامبر بود که در منی

و غیرمنی در سفر نمازهای چهاررکعتی را دو رکعتی می خواند ، عثمان آن را به چهار

۱- [۱] . السنن الکبری ، بیهقی ، ج ۷ ، ص ۲۰۶ .
۲- [۲] . مشکل الآثار طحاوی ، ج ۲ ، ص ۱۴۶ .
۳- [۳] . صحیح مسلم ، ج ۲ ، ص ۱۰۹۹ .
۴- [۴] . سنن نسائی ، ج ۱ ، ص ۱۶۸ .

رکعتی تبدیل کرد .(۱)

۶ . باده نوشی

حرمت شرب خمر در قرآن کریم به صراحت آمده ، از ضروریّات دین مقدّس

اسلام و از سنّت قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود ، ولی معاویه علناً در کنار سفره اش شراب

می نهاد ، خود به صورت علنی مشروب می خورد و به حاضران تعارف می کرد .(۲)

۷ . الحاق فرزند نامشروع

از سنّت مؤکّد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که بچّه در خانه ای که متولّد شده به صاحب

خانه ملحق می شود و به فرد زانی حدّ جاری می شود ، ولی معاویه با شهادت یک نفر

باده فروش ، زیاد بن أبیه را به ابوسفیان ملحق نمود .(۳)

۸ . دشمنی با نفس پیامبر

از سنّت مؤکّد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت مردم به محبّت و مودّت امیرمؤمنان علیه السلام و

برحذر داشتن آنها از هر گونه توهین به آن حضرت بود و به صراحت اعلام می کرد :

من سبَّ علیّاً فقد سبَّنی ؛

هر کس علی را دشنام دهد مرا دشنام داده .(۴)

ولی به فرمان معاویه به مدّت ۱۰۰۰ ماه(۵) در بیش از ۷۰/۰۰۰ منبر به صراحت به

آن حضرت سبّ و لعن کردند .(۶)

معاویه به مغیره می گوید : به علی ، علنی دشنام بده و به طور علنی او را تنقیص کن .(۷)

۱- [۱] . صحیح مسلم ، ج ۱ ، ص ۴۸۲ .
۲- [۲] . مسند احمد حنبل ، ج ۹ ، ص ۶ ، ح ۲۳۰۰۲ .

۳- [۳] . صحیح بخاری ، ج ۳ ، ص ۷۰ .

۴- [۴] . مستدرک حاکم ، ج ۳ ، ص ۱۳۰ .

۵- [۵] . تذکره الخواص ، ابن جوزی ، تحقیق حسین تقی زاده ، مجمع جهانی اهل بیت ، قم ، ۱۴۲۶ ق . ج ۱ ، ص ۳۶۰ .

۶- [۶] . ربیع الابرار ، زمخشری ، ج ۲ ، ص ۱۸۶ .

۷- [۷] . انساب الاشراف ، بلاذری ، تحقیق سهیل زکار ، دارالفکر ، بیروت ، ۱۴۲۰ ق . ج ۵ ، ص ۳۰ .

۹ . تجاوز به حریم مکه و مدینه

پسرش یزید علنی مشروب می خورد ، ۱۲۰۰۰ نفر به فرماندهی مسلم بن عقبه برای کشتار اهل مدینه به مدینه ی منوّره فرستاد ، سه شبانه روز اهل مدینه را قتل عام کرد ، اهل مکه را با منجنیق کشت ، دامنه ی آتش به کعبه رسید ، استار کعبه طعمه ی حریق شد(۱) و با این همه جنایت بر تخت خلافت تکیه کرده ، نگهبان سنّت نبوی بود ! ! و عبداللّه بن عمر اعلام می کرد که هر کس از اطاعت او سرپیچی کند با مرگ جاهلی می میرد ! .(۲)

۱۰ . میگساری بر فراز بام کعبه

ولید بن یزید بن عبدالملک که در لیست خلفای دوازده گانه ی پیامبر ، از سوی ابن حجر عسقلانی به عنوان دوازدهمین آنها تعیین شده(۳) هیچ گناهی را فروگذار نشد و کارش به آنجا رسید که رهسپار مکّه شد تا بر فراز پشت بام کعبه شراب بخورد ! .(۴)

این بود اشاره ای کوتاه به پایمال شدن سنّت نبوی توسّط متولّیان امر خلافت ، که صرفاً به طور اشاره ، آن هم به مسائل درجه دو و سه ، و پرهیز از طرح مسائل اصلی چون غصب خلافت و مصادره فدك و ... طرح گردید .

از طرح این موضوع به این نتیجه می رسیم که به دنبال ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سنّت آن حضرت رسماً توسّط متولّیان امر خلافت ، به بوته ی فراموشی سپرده شد و عملاً چیزی از سنّت آن حضرت از دستبرد متصدّیان امر محفوظ نماند .

پس اگر قرائت : « کتاب اللّه و سنّتی » صحیح باشد ، آیا نتیجه ی قطعی آن با جمله ی صریح و قاطع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همین حدیث : « لا یفترقان حتّی یردا علیّ الحوض » تناقض پیدا نمی کند ؟ !

۱- [۱] . تاریخ الاسلام ، ذهبی ، تحقیق دکتر عمر عبدالسلام تدمری ، دارالکتاب العربی ، بیروت ، ۱۴۱۰ ق . ج ۵ ، ص ۲۵ .

۲- [۲] . تاریخ خلیفه بن خیّاط ، عصفری ، تحقیق دکتر اکرم ضیاء ، دار القلم ، بیروت ، ۱۳۹۷ ق . ص ۲۵ .

۳- [۳] . فتح الباری ، ابن حجر عسقلانی ، تحقیق محمّدفؤاد ، دارالمعرفه ، بیروت ، ج ۱۳ ، ص ۲۱۴ .

۴- [۴] . تاریخ الخمیس ، دیار بکری ، دارصادر ، بیروت ، ج ۲ ، ص ۳۲۰ .

یکی از دلایل قطعی ما بر زنده بودن حضرت ولی عصر ـ ارواحنا فداه ـ در عصر غیبت

همین فراز از حدیث ثقلین می باشد ، زیرا اگر یک روز حجّت خدا در روی زمین

نباشد این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خلاف خواهد بود .

و این نکته ی بسیار مهمّی است که برخی از بزرگان اهل سنّت نیز به آن توجه نموده اند و

اینک به نقل دو فراز کوتاه از دو شخصیّت برجسته ی اهل تسنّن بسنده می کنیم :

۱ . ابن حجر هیتمی ، متوفّای ۹۷۴ ق . پس از نقل حدیث ثقلین و تحلیل فرازهای

آن می نویسد :

در احادیث وارده پیرامون تمسّک به اهل بیت اشاره است به اینکه هرگز فردی

شایسته ی تمسّک از اهل بیت تا روز قیامت منقطع نخواهد شد ، چنانکه قرآن کریم نیز

اینگونه است ، و لذا آن دو (قرآن و اهل بیت) امان هستند برای اهل زمین ، چنانکه به

حدیثش اشاره خواهیم کرد .

گواه دیگر آن ، حدیثی است که قبلاً تقدیم شد : « در میان هر طائفه ای از امّت من

افراد عادلی از اهل بیت من خواهد بود که ... » .

شایسته ترین انسان برای تمسّک کردن در میان اهل بیت ، امام و عالم آنها ، علی بن

ابی طالب ـ کرّم اللّه وجهه ـ می باشد ، که در صفحات پیشین از دانش بیکران و استنباطهای

دقیقش سخن گفتیم » .(۱)

۲ . محمّد عبدالرّؤوف مناوی ، متوفّای ۱۰۳۰ ق . در شرح : « جامع الصغیر » سیوطی ،

در شرح حدیث ثقلین به تفصیل سخن گفته ، که تنها به فرازهایی از آن اشاره می کنیم :

منظور از « عترت » همان « اصحاب کساء » هستند که خداوند هر گونه پلیدی را از

آنها زدوده ... محبت و احترام آنها را واجب مؤکّد نموده و احدی را در کوتاهی از این

وظیفه معذور ندیده ...

تلازم کتاب و عترت استمرار دارد تا روزی که در حوض کوثر بر آن حضرت وارد

شوند ، و این بیان پیامبر اشاره ، بلکه تصریح است به اینکه قرآن و عترت همسنگ

۱- [۱] . الصواعق المحرقه ، ابن حجر ، ص ۱۵۱ .

یکدیگر هستند ...

از این حدیث استفاده می شود که باید در هر زمانی کسی از عترت طیّب و طاهر ، تا روز رستاخیز شایسته ی تشبّث و تمسّک در روی زمین باشد ، تا این فرمان اکید بر تمسّک به او متوجّه باشد ، چنانکه قرآن نیز چنان است .

از این رهگذر آنها برای اهل زمین امان هستند ، اگر آنها از روی زمین برداشته شوند ، همه ی اهل زمین از بین می روند .(۱)

امیدواریم در آینده ای نه چندان دور کتاب مستقلّی در این رابطه منتشر کرده ، ابعاد مختلف این حدیث شریف را مشروحاً بیان کنیم .

حوزه علمیّه قم

علی اکبر مهدی پور

۱- [۱] . فیض القدیر ، مناوی ، ج ۳ ، ص ۲۰ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵
دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱
بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹